

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

درس پنجم

سوره مبارکه ناس

متن پیش رو شامل پرسش‌هایی است که در دوره‌های گذشته آموزش مجازی-کتاب مقدمات تدبر در قرآن- توسط قرآن‌پژوهان طرح شده است. در این رابطه توصیه می‌شود که به نکات زیر توجه نمایید:

- ۱- به طور قطع این متن پاسخگوی همه سوالات شما نمی‌باشد اما پیشنهاد می‌کنیم که قبل از طرح پرسش خود با پشتیبان، این متن را مطالعه نمایید. شاید پاسخ خود را بیابید. کمترین فایده این مطالعه، آشنایی با سوالات دیگر قرآن‌پژوهان و توجه به نگاه‌هایی متفاوت با نگاه خود می‌باشد.
- ۲- برای سهولت هر چه بیشتر در یافتن متن مورد پرسش، در ابتدای هر سوال متن مربوطه ذکر شده است.
- ۳- صحت پاسخ به سوالات توسط متخصصین محتوا بررسی شده است. با این حال لطفا هر گونه اشکال محتوایی که ملاحظه نمودید را با ما در میان بگذارید.
- ۴- بر روی متن اندکی ویرایش ادبی انجام شده است تا از ذکر نکات مبهم جلوگیری شود. البته در تلاش بودیم تا در این ویرایش ادبیات محاوره ای قرآن پژوهان حفظ شود تا بر سرعت درک مفاهیم بیافزاید.
- ۵- برای هر یک از قسمت‌های متن درس، سوال و پاسخ علائمی در نظر گرفته شده است که در ادامه معرفی شده‌اند:



نماد پشتیبان



نماد قرآن پژوه



نماد متن کتاب

در پایان از شما تقاضا داریم تا در راستای رفع هر گونه نقص در نظام آموزش قرآن کریم، ما را از پیشنهادات و انتقادات خود بهره‌مند سازید.

مجمع مدارس دانشجویی قرآن و عترت علیه السلام دانشگاه تهران

◆ سوال در مورد ناس



۱. ببخشید در حل تمارین "ناس" را "مردم" در نظر می‌گیریم؟ در اینجا ارتباط ناس با انس و اجتماع مردم چی هست؟



ناس رو مردم می‌گیریم و خودمون هم در این جایگاه قرار می‌گیریم. واژه ناس به معنی مردم از انس گرفته می‌شه، انس به معنی نزدیکی به چیزی یا کسی است که با آشکاری و انس همراه است، واژه ناس به حیثیت اجتماعی انسان اشاره دارد. مثلاً گروه کوهنوردی مثالی برای اجتماع انسان می‌تونه باشه.



۲. این نزدیکی هم شامل نزدیک بودن انسان‌ها با هم و هم شامل نزدیک بودن به خالق می‌شه؟



انس می‌تونه با هر چیزی باشه انسان را به این دلیل انسان می‌گویند که انس‌پذیر است حالا ممکنه انس به انیس واقعی باشد و یا انس به کتاب و دوست و پدر و مادر و دنیا و ...



♦ ارتباط نام‌های خدا در سوره



۱. ارتباط بین نام‌های خدا در سوره چیست؟



جمع‌بندی نام‌های خداوند در دو سوره رب، ملک و اله است که انسان از ربوبیت شروع می‌کند و به الوهیت می‌رسد. مراتب انس انسان با خداوند بدین ترتیب است.



۲. تمام این سه مورد «رب» هستند ازین حیث که اونایی هم که مالکیت و الوهیت خداوند رو درک کردن ابتدا از رب گذشتن ... پس می‌تونست فقط رب الناس بیاد چرا رب و ملک و اله اومده...؟



رب مالکیت در تدبیر ملک سلطنته و اله پرستش تو هر کدوم یه وجهی خیلی مهمه؛ در حقیقت بروز رب به صورت ملک و اله اومده مثلاً الله همه اسماء الهی را در بر می‌گیره ولی ما احتیاج داریم هر بار خدا را با یک اسمش صدا بزنیم هر کار خیری که در انسان کمال ایجاد کند برمی‌گردد به ربوبیت هر کاری که سیطره انسان و مالکیت او را بالا ببرد مربوط می‌شه به مالکیت هر کاری که مربوط باشه با اظهار عشق و محبت او، مربوط می‌شه به اولوهیت

وسواس خناس هر گاه انسان را از علم و قدرتی باز داشت یعنی او را از صفت رب خدا باز داشت هرگاه او را به حاکمیتی غیر از خدا داداشت یعنی او را از صفت ملک بازداشت هرگاه محبت غیر خدا را در او ایجاد کرد او را از اله دور کرد.



۳. خب اونى که به مرحله‌ی الوهیت رسیده ابتدا از ربوبیت گذشته دیگه درسته؟



ربوبیت بیشترین جلوه‌ش در طفولیته ملک می‌شه هفت سال دوم صفات ربوبیت و ملکیت و الوهیت ظهور و بروزهاشون متفاوته مثلا اولوهیت، مرحله‌ای از ربوبیته.. ملکیت، مرحله‌ای از ربوبیته



◆ سوال در مورد استعاذه



۱. استعاذه‌ی سوره ناس چطوریه؟



استعاذه به معنای پناه بردن به پناه‌گاهی است که ما را از خطری که پیش روی ما است حفظ می‌کند. استعاذه‌ای که سوره ناس به ما یاد می‌دهد این است که کار خوب را بشناسیم و برای انجام آن برنامه‌ریزی کنیم و در انجام آن تاخیر نکنیم و از غم و اندوهی که ما را از انجام خیری باز می‌دارد به شدت پرهیز کنیم و

استعادهای که سوره فلق به ما یاد می‌دهد این است که با شناختن نشانه‌ها و تشخیص آن بتوانیم از مرحله‌ای به مرحله دیگر به سمت کمال حقیقی خود حرکت کنیم توقف را جایز ندانیم ...



۲. وسواس خناس می‌تونه مصداق اطرافیان باشه که حالا به زعم خودشون از روی دلسوزی انسان رو با تاخیر یا انصراف وا می‌دارن؟ خناس خودش به معنای به تاخیر انداختن کاری است که شایسته تقدیم است



در اینجا هم چون بحث شر مطرح است باز هم به نحوه عملکرد ما بستگی دارد. یعنی اگر ما در هر وسوسه‌ای به رب و ملک واله حقیقی پناه ببریم آن چیز برای ما شر نمی‌شود و ما را دچار وسوسه نمی‌کند و حتی کندی.



۳. می‌شه درباره الذی یوسوس بیشتر توضیح بدین؟



همون طور که سوره هم گفته وسوسه در صدر است. کسی که وسوسه ایجاد می‌کنه این وسوسه می‌تونه سرد کردن اطرافیان برای انجام کار خیر باشه. کسی که می‌تونه با القا یه حرف تو دل طرف رو خالی کنه. ادم ممکنه تو دو سر این سوره قرار بگیره هم ممکنه با وسوسه مواجه بشه هم ممکنه برای بقیه وسوسه ایجاد کنه از هر دو ی اینها باید به خدا پناه برد. ولی برای من در صدر بودنش خیلی جالب بود یعنی در قلب می‌تواند ابتدا جایی نداشته باشد.



۴. اینکه وسوسه در صدر اثر داره و در قلب ابتدا نمی تونه جایی داشته باشه یعنی چه؟



یعنی ابتدا فقط می تونه یه القا باشه. که ما خیلی برای خودمون بزرگش می کنیم. شیطان میاد فقط یه چیزی می پرونه ببینه عکس العمل ما چیه. فقط القا کرده همین.



۵. در ساختار وجودی معنای قلب گفته: «چیزی که ادراکات در اون جا داره». با این تعریف می شه گفت دلیل اینکه تو سوره صدر گفته (با توجه به معنیش که جاییه که ادراکات از اونجا صادر می شه) همینیه؟ چرا صدر رو سینه معنی می کنیم؟



در مورد قلب و صدر قلب محل ادراک و صدر محل بروز ادراکات است. آنچه که در این سوره آمده وسواس خناس با ایجاد وسوسه باعث تاخیر در بروزات می شود.



۶. چطوری القاءات رو تشخیص بدیم؟



اینکه شیطان بگه تو نمی تونی، تو نمی رسی، تو دیر اومدی بقیه جلوترن و غیره برای هر کسی فرق داره. مثال نماز اول وقت و همه با اینکه اهمیتش رو می دونیم و بهش ایمان داریم با وسوسه های کوچک زود قانع می شیم خدای نکرده خب ببینید ما در لحظه ای باید وظیفه مون در آن لحظه رو انجام بدیم اگه وظیفه حکم می کنه نماز اول وقت رو بخونیم خب نماز رو می خونیم یا نه اگه باید در وقت نماز به مادرمان رسیدگی کنیم شاید اون رسیدگی وظیفه اون لحظه من باشه. و وقتی وظیفه رو تشخیص دادی دیگه نباید بذاری القائات روت اثر کنه. اگر انسان به علم های یقینی عمل کند کم کم متوجه القائات شیطانی می شود.



۷. این وسوسه درحالی اتفاق می افته که ما علم داریم یا نه؟ علم از یقین جداست؟



اگر علمی به یقین تبدیل شود به شک تبدیل نمی شود اصولاً یقینی شدن بعد از تکرار و استمرار بر علمی و عملی کردنش رخ می ده اینکه ما می بینیم گاهی اوقات با وجود اینکه فکر می کنیم به چیزی یقین داریم ولی بهش شک می کنیم برای اینکه اولاً صد در صد یقین نبوده ثانیاً نیاز به استمرار در عمل داشته تا به یقین کامل برسه علمی که در مسیر تبدیل به یقین هست ولی هنوز صد در صد یقینی نشده در طی مسیر اگر بر یقینی شدنش استمرار نباشه به سمت شک می تونه بره.



۸. سوال من اینه که باز بین چند تا کار خیر آدم دچار وسوسه می شه که کدام کار در این لحظه خیر واقعی محسوب می شود؟



معمولا بهترین کار از دو تا کار خیر اونی هست که تمایل ما بهش کمتره در این رابطه حدیثی از امیرالمومنین علیه السلام داریم مثلا من الان دارم قرآن می خونم و مادرم احتیاج به کمک من داره و هر دو کار خوبیه اما اگر اون بهتر را انتخاب نکنم انگار خیرگزینی در من اتفاق نیفتاده

یک راهکار تذکر دادن به خودمونه که می تونه به صورت یادداشت باشه من از امروز هر کاری که فکر می کنم خوبه توش تاخیر نکنم. چون امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف کارگزاری می خوان که طبق سوره فلق توقف نداشته باشه و طبق سوره ناس تاخیر نداشته باش.



۹. ببخشید راجع به شناخت منبع القائنات اگر می شه یک توضیحی بدهید ممنون می شم.



طبق گفته ی اساتید چیزی هست درونتون که نه می شه سرشو شیره مالید نه میشه باهاش چونه زد. مثلا می گه این کار غلطه بعد هی شما می گی آخه... می شه... اگه...

نمی شه گوش زد فقط می شه صداشو نشنید.

اون ندای عقل کامله به حرفش گوش بدید. بعد از یه مدتی صداش براتون آشنا می شه. می گفتن طهارتی که می تونید انجام بدید اینه که یکبار قرآن رو از دلتون بخونید. یعنی یک نفر داره تو قلبتون اونو می خونه.



◆ سوال در مورد جن



۱. چرا با وجود اینکه جنو مخفی و پوشیده معنی کرده ولی بعضی انسانها قادرند جن ببینند؟



این که عده‌ای چیزی را که دیدنی نیست ببینند آن شیء را دیدنی نمی‌کند. این صحبت به این معنا هست که اگر فردی در خود توانایی ایجاد کرد (سواى درست یا غلط بودن این کار) که نادیدنی را ببیند آن نادیدنی، دیدنی نشده است. همچنین انسان دارای قدرتی است که می‌تواند با غیب ارتباط برقرار کند که جن می‌تواند قسمتی از غیب باشد.



◆ سوال جمع‌بندی در مورد پناه بردن عملی در این سوره



۱. پناه بردن در مقام عمل و ابراز چی می‌شه؟



ابرازش بنظرم سرعت در کاره... امروز و فردا نکردنه. وقتی به خدا پناه می‌بری خدا ذهنمون رو از هر فکر آلوده و شک و تردید دور می‌کنه، اینطوری تمام حواست متمرکز به کار و هدفت می‌شه در نتیجه موفق‌تر عمل می‌کنی

مثلا کسی به من حرفی می‌زنه که تو تنبلی حالا اگر پناه ببرم وسوسه اون در من اثر می‌ذاره و منو از حرکت باز می‌داره. ولی اگه پناه ببرم می‌گم اینجوری نیست و با اولین وسریع‌ترین حرکت و عدم کندی اینو نشون می‌دم.



۲. اتفاقی که در بیماری وسواس می‌افته دقیقا همین سلسله رو طی می‌کنه آیا تا به حال با توجه به سوره‌ی ناس درمانی براش پیشنهاد شده؟



مثلا در مورد درمان وسواس گفته شده که چهار قل رو خودتون می‌نویسید و همیشه با خودتون نگه می‌دارید و مرتب سوره‌های ناس و فلق رو می‌خونید. و بهترین درمانی که وجود داره اینه که یقین رو تو خودتون فعال کنید. یعنی اینکه روند تفکر بنیادی رو در خودتون ایجاد کنید.



۳. راجع به اینکه در درس‌ها گفته بودند در لحظه بهترین کار را انتخاب کنید خواستم بپرسم منظور چی بود؟ این امر برنامه‌ریزی رو تحت الشعاع قرار می‌ده؟



در لحظه بهترین کار رو انجام دادن یعنی اینکه شما یه روندی از عقل رو طی می‌کنید بعد به این یقین می‌رسید که باید این کار رو انجام بدید. و اون رو انجام می‌دید. احسن عمل، دریچه‌های علم الهی رو به روی شما باز می‌کنه. اما فراموش نکنید باید عقلی باشه. که با برنامه‌ریزی مغایرتی نداره.



۴. یکی از موضوعات درس اینه که "انسان در زندگی‌اش تدبیر نکند" این تدبیر با اون برنامه‌ریزی فرق داره؟



برای کارها نباید تدبیر کرد. یعنی نگیم تا سه سال دیگه باید این اتفاق بیفته. چون دست ما نیست که بگیم اما برنامه‌ریزی ایرادی نداره

فرقش هم اینه که اساسا تدبیر کار خداست چون نیاز به اطلاعات و شناخت همه جانبه داره و ما هرگز نمی‌تونم مطمئن باشیم چیزی کاملا خیر هست یا شر طبق همون آیه که چه بسیار چیزهایی که شر می‌پندارید ولی خیر است و برعکس.



◆ سوال ارتباط دو سوره‌ی ناس و فلق با هم



۱. چرا در سوره فلق از چهار شر به فلق و سوره ناس از یک شر به سه اسم خدا پناه برده‌ایم؟



پاسخ اول

سوال خیلی خوبی است که هر یک از ما می‌تواند با توجه به این دو سوره رجوع کند و در آن تدبر نماید و حتی جواب‌هایی که در ظاهر متفاوت اما در حقیقت یکسان‌اند را بیابد.

یک جواب برای این سوال شما این است که می‌توان بین شرهای سوره فلق و ناس، نقش ظرف و مظهر را یافت. یعنی وسواس خناس در بسترهای غاسق اذا وقب، نفاثات فی العقد، حاسد اذا حسد می‌تواند وسوسه کند. در واقع هنگامی که انسان آن چنان خود را در تاریکی می‌بیند که هیچ‌امیدی برای طی کردن مسیر زندگی ندارد و فلقى در زندگی‌اش نمی‌بیند (غاسق اذا وقب) اینجا وسواس خناس می‌تواند وسوسه کند و یا حتی بالعکس وسواس خناس او را وسوسه نمود و او به علت ضعف در باورها و اعتقادات درست، در غاسق اذا وقب اسیر شد. و همین طور درباره شرور دیگر سوره.

پاسخ دوم

سوره فلق از شرور خارج تنها به رب پناه می‌بره اما در سوره‌ی ناس از یک شر به رب و ملک و اله پناه می‌بره این شر سوره ناس از درون نشئت می‌گیره و اهمیت بالایی داره و یه مورد دیگه که به ذهنم می‌رسه مربوطه به موضوع صدر که صدر جایگاهی‌ست که ادراکات رو به فعل تبدیل می‌کنه و اهمیت بالایی داره چرا که تا حالا هر چی بوده، بایستی به فعل برسه. و در اینجاست که شیطان وارد می‌شه با تاخیر و وسواس، نمی‌ذاره به فعلیت برسه اما در سوره فلق موضوع متفاوتی نداره... تنها برای رهایی از آن چهار تا شر، یک رب وجود دارد.

پاسخ سوم

در سوره مبارکه فلق سخن از شرور بیرونی و آشکار است و در حقیقت شر بر می‌گردد به برخورد ما با اتفاقات پیرامون... پس به یک پناهگاه پناه می‌بریم و در سوره مبارکه ناس سخن از شرور پنهان است و غفلت از ربوبیت و ملوکیت و الوهیت خداوند که باعث گرفتار شدن به وسوسه‌ها می‌شود... پس لازم است به این سه صفت پناه ببریم تا نقص‌های هر مرحله را با پناه بردن به این سه پناهگاه برطرف کنیم ...



۲. قدرت شر فلق کمتر است که در این سوره سه اسماء خداوند ذکر شده؟



در سوره ناس دارد نقاط آسیب‌پذیری انسان را می‌گوید از ناحیه رب و ملک و اله انسان آسیب‌پذیر است. خیلی وقتها ممکنه شرهای کند کننده‌ی مسیر دامن گیرمون نشن اتفاقا خوب هم مسیر رو بریم ولی چون از اول مسیر حرکت رو اشتباه انتخاب کردیم تو کل حرکتمون اشتباه کنیم.

در سوره‌ی ناس هم ما رو به ابراز دعوت می‌کنه، ابراز پناه بردن به خدایی که رب، ملک و اله از شر اون چیزی که در مسیر حرکت ما رو سرگرم خودش می‌کنه و تاخیر در حرکتمون ایجاد می‌کنه. سوره ناس سوره کنده‌ی نکردن است در دستگاه امام زمان ثانیه‌ها هم مهم‌اند. نکند انسان ظهر عاشورا برسد که دیگر دیر است.



۳. ارتباط مفهومی بین شرور در سوره مبارکه فلق و ناس چیست؟ مصادیقی از شروری که در این سوره از آنها یاد می‌شود را نام ببرید



شرور در سوره فلق به مقطعی که شر می‌تواند دامن‌گیر انسان شود (در آغاز حرکت، در حین حرکت، و پس از پایان کار) اشاره دارد و این که فرد لحظه به لحظه باید به فلق‌ها (نشانه‌ها) توجه کند تا گرفتار شر نشود اما این که این شرور که در هر حالتی می‌تواند دامن‌گیر انسان شود چگونه انسان را مبتلا می‌کند و چه نقص‌هایی در انسان وجود دارد که شرور دامن‌گیر او می‌شود سوالی است که پاسخ آن در سوره ناس است.

مصادیق رو با توضیحی که در مورد سوال اول داده شد در زندگی و اطرافتان جستجو کنید. به طور مثال کار خیری رو در نظر بگیرید که ممکن است من نوعی به بهانه‌هایی مثل بی‌حوصلگی، امروز حالش رو ندارم یا اینکه چرا من بقیه هم هستن و.. به تأخیر بنده‌ای از نمونه‌ای از دچار شدن به وسوسه خناس است.



۴. با توجه به اینکه رب نشانه‌گذار برای حرکت در سوره فلق معرفی شده به نظرتان در سوره ناس چگونه است؟



به نظر من ربی که انس ساز است و شاید پناه بردن به ربی که مبدا انس انسان را عوض می‌کند.



۵. چرا در دو سوره از رب استفاده شده؟



کمال در سوره‌ی فلق حرکت بدون توقف بود رب هم به نشانه‌گذار این حرکت بود، چون حیثیت رب رساندن به کمال و برطرف کردن نواقص است. در سوره‌ی ناس کمال حرکت بدون تاخیره و پناه بردن به رب از موانع تاخیر ما رو حفظ می‌کنه.

در واقع در هر دو سوره حرکت و پناه بردن و ابراز داریم ولی در سوره فلق برای حرکت و در سوره ناس برای رهایی از کندی



۶. فرق شر فلق و شر ناس رو نفهمیدم و سواله‌هاش رو متوجه نمی‌شدم می‌شه راهنمایی کنید.



شر در سوره فلق از شر ما خلق به خدا پناه می‌بریم در شناختن مسیر حرکت و در سوره ناس از شر اون چیزایی به خدا پناه می‌بریم که تو مسیر حرکتمون کندی آفرینن

